

## نقش معادباوری در آسیب‌زدایی از نظام خانواده در قرآن کریم

عبدالرضا سلیمانی بابادی<sup>۱</sup>، مالک حسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

خانواده به منزله بنیادین‌ترین نهاد اجتماعی و زیر بنای جوامع، خاستگاه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است و از همین‌رو دین اسلام توجه ویژه‌ای به آن نموده و هر چه موجب تزلزل آن گردد، نفی و برای سالم ماندن این نهاد مقدس از آسیب، دستورات زیادی بیان کرده است. از جمله این دستورات، مباحث اعتقادی موجود در قرآن کریم است. باورها از آن‌رو که ریشه رفتارها هستند از نگاه قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته است و باور به معاد یکی از این اعتقادات اثرگذار در زندگی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی نقش معادباوری در آسیب‌زدایی از نظام خانواده و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی آیات قرآن کریم و اقوال مفسرین پرداخته و تأثیر باور به معاد را در جلوگیری از گرفتار شدن خانواده به آسیب‌های حقوقی، اقتصادی، عاطفی و اخلاقی تشریح کرده است.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، معاد، معادباوری، نظام خانواده، آسیب‌زدایی از خانواده.

۱ - دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، As0leimani1780@gmail.com

۲ . دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم، malek.hasani114@gmail.com

\* نویسنده مسئول: As0leimani1780@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

## مقدمه

خانواده به عنوان اساسی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده جوامع مدنی و از مهم‌ترین عوامل تأمین‌کننده سعادت‌مندی انسان‌ها، همیشه مورد توجه بشریت بوده است. این نهاد مقدس در مسیر دست‌یابی به اهداف متعالی خود، همانند سایر پدیده‌ها با آسیب‌ها و موانع گوناگونی ممکن است روبه‌رو شود که باعث انحراف آن از مسیر و مانع دست‌یابی به اهداف اصلی‌اش گردد و چه بسا این مجموعه مهم را با خطر فروپاشی مواجه سازد. یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری نظام خانواده از ابتلای به آفت و آسیب، تقویت باورهای دینی، از جمله اعتقاد به معاد است. باورمندی به معاد یکی از بنیادی‌ترین اعتقادات دینی است که آثار شگرفی در نظام‌بخشی به زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. از همین رو، تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که: نقش معادباوری در آسیب‌زدایی از نظام خانواده در قرآن کریم چیست؟

قرآن کریم از همین رو که باورها را ریشه رفتارها و پایه‌های ایجاد عمل می‌داند، اولین راه مصون ماندن اجتماع انسانی از آسیب‌ها را نگاه درست به عالم و اصلاح نگرش‌های غلط در زندگی می‌داند. از نگاه قرآن، اعتقاد اعضای خانواده به معاد و زندگی و حسابرسی پس از مرگ می‌تواند خانواده را از ابتلای به آسیب‌هایی از قبیل اخلاقی، عاطفی، حقوقی و اقتصادی مصون دارد.

## پیشینه پژوهش

تأثیر اعتقاد به معاد در بخش‌های مختلف زندگی انسان، از گذشته تا کنون مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. در رابطه با نقش این اعتقاد در زمینه پیشگیری از آسیب‌ها و تأثیر این باور در نظام خانواده پژوهش‌هایی هم انجام پذیرفته است از قبیل: ۱. «نقش معادباوری در پیشگیری از مفاسد اخلاقی فردی» نوشته فاطمه غفاری‌راد و لاله افتخاری: در این پژوهش به نقش معاد در بعد فردی به صورت عام و و به اینکه می‌تواند زمینه پرورش روح انسانی و تخلق به محاسن اخلاقی را فراهم آورد، اشاره شده است. ۲. «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده» نوشته محمد مهدی صفورایی: به صورت کلی و گذرا به برخی از تأثیرهای اعتقادات در نهاد خانواده اشاره شده است. ۳. «بررسی رابطه اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده» نوشته احمدی نوه خدابخش: به رابطه بین اعتقادات و آموزه‌هایی دینی و اینکه سد محکمی در برابر آسیب‌های اجتماعی و انحرافات اخلاقی است اشاره نموده است. ۴. «آثار تربیتی اعتقاد به معاد» علی نصیری: که در ضمن آثار اعتقاد به معاد به صورت عام به برخی از نکات در مورد تأثیر معاد در ظهور فضائل اخلاقی و اقتصاد اشاراتی دارد.

همانگونه که بیان شد این پژوهش‌ها یا به آثار اعتقادات و معادباوری به صورت کلی اشاره کردند و به تأثیر این باور در نهاد خانواده اشاره نداشته‌اند و یا در بحث خانواده به نقش این عقیده در پیشگیری از آسیب‌ها و انواع آن و با تأکید بر آیات قرآن پرداخته نشده است؛ از این رو در این نوشتار با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر آیات قرآن کریم، تلاش بر این است که نقش باورمندی به معاد در پیشگیری نظام خانواده از ابتلای به آسیب‌های گوناگون را از قبیل اخلاقی، عاطفی، حقوقی و اقتصادی، مورد تحلیل و تبیین قرار دهیم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

## ۱-۱ معادباوری

برای بیان منظور از کلمه معادباوری باید دو واژه «معاد» و «باور» را مورد بررسی قرار داد. «معاد» در لغت به معنای رجوع و بازگشتن است. (طریحی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۱۰)؛ بازگشتن به چیزی بعد از انصراف از آن که این انصراف یا دور شدن از ذات چیزی است یا انصراف از سخن و یا از قصد و عزیمت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۳). کلمه معاد در قرآن کریم یک بار آمده است. (قصص ۸۵) که به معنای مشهورش یعنی مکان بازگشت بعد از مرگ نیست، ولی در معنای لغوی خود به کار رفته است. اگرچه واژه معاد به معنای اصطلاحی (روز قیامت، سرای آخرت) در قرآن استفاده و به کار برده نشده است؛ ولی ریشه آن به صورت فعل گذشته یا آینده در کلام وحی بسیار ذکر شده است از جمله «کَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» همانگونه که خداوند در آغاز شما را آفرید (بار دیگر در قیامت) باز می‌گردید (اعراف ۲۹). معاد در اصطلاح فلسفی و کلامی به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ به حیات، برای رسیدگی به حساب اعمال اوست. (سجادی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۶۱) تفتازانی می‌گوید: معاد یعنی برگشت اجزای بدن به

یکپارچگی، بعد از آن که پراکنده شده بودند؛ برگشت به حیات بعد از مرگ، برگشت ارواح به بدن‌ها بعد از جدایی (لاهیجی: ۴۲۹). نیز علامه طباطبایی فرموده‌اند: معاد بازگشت اشیاء با تمام وجودشان به چیزی است که از آن وجود یافته‌اند و این بازگشت امر ضروری است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۳۳).

«باور» در لغت به معنای یقین، اعتماد، عقیده و قبول سخن آمده است. (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶۹) و عقیده به معنای بسته شدن، منعقد شدن و گره خوردن آمده یعنی امری که با ذهن و روح و روان انسان پیوند خورده، انعقاد می‌پذیرد. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۲: ۶۵).

«معادباوری» یعنی شخص باورمند به این باور معتقد باشد که با مرگ از این جهان به جهان دیگر منتقل خواهد شد و در سرای دیگر به اعمالی که در این دنیا انجام داده است، رسیدگی می‌شود و در برابر کارهای خوب او پاداش نصیب او خواهد شد و در مقابل کارهای بد و ناپسند او عذاب داده می‌شود. و به عبارت دیگر: گرچه همه می‌دانند روزی مرگ سراغ آنان می‌آید، ولی در عمل به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی به مردن و برانگیخته شدن خود شک دارند و مرگ را باور ندارند اسلام این نوع ایمان را نفی کرده و ایمان و اطمینان قلبی و به عبارت دیگر باور قلبی و ظهور عینی و عملی آن را در زندگی، معادباوری معرفی می‌کند. (مأده/۶۹).

## ۲-۱ نظام خانواده

واژه «نظام» به معنای تألیف (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷: ۶۸۹)، تجمیع و قرین کردن چیزی به چیز دیگر به این صورت است که وقتی دانه‌های تسبیح و یا مروارید و یا هر چیزی با ماهیت این گونه به رشته در می‌آیند و با یکدیگر همراه می‌شوند به این کار انتظام می‌گویند و به خروجی که از این عمل به دست می‌آید نظام می‌گویند. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۰۴۱) و نیز در معنای هدیه، سیره و عادت به کار برده می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۵۷۸) و «خانواده» به معنای خاندان - دودمان - اهل خانه - زن و فرزند - واحد اجتماعی که شامل پدر و مادر و فرزندان آنهاست (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹۷۸) و واژه (الاسرة) یکی از مواردی که برابر آن در زبان فارسی، خانواده است. الاسرة: عشیره الرجل و اهل بیتة (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۴: ۲۰)؛ اما این واژه در آیات قرآن دیده نمی‌شود و برای دریافت تعریف خانواده باید در پی واژه‌هایی رفت که از همان بار معنایی (الاسره) برخوردارند و در آیات قرآن نیز به کار رفته‌اند - یکی از واژه‌هایی که در آیات قرآن بسیار به کار رفته و در مواردی بار معنایی خانواده را در خود دارد واژه «اهل» است. هرگاه واژه اهل در قرآن به نام افراد نسبت داده شود و یا به ضمیری اضافه گردد که به اشخاص باز می‌گردد، بار معنایی خانواده را خواهد داشت هرچند در برخی از موارد، مراد از اهل و مضاف‌الیه آن خاندان است. بنابراین با نظر به کاربرد اهل، در آیات قرآن می‌توان به تعریف خانواده در قرآن دست یافت.

## ۲. نقش معادباوری در پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و عاطفی خانواده

اعتقاد به معاد و زنده شدن پس از مرگ ظاهری و حیات دوباره، آثار سازنده و مثبت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی دارد و زمینه‌سازی برای تربیت انسان‌های مؤمن و تحقق جامعه توحیدی است. از جمله این آثار ارزشمند، پرورش فضایل اخلاقی و جلوگیری از رذایل اخلاقی و مبارزه با هوا و هوس‌ها و جلوگیری از عواطف و محبت بیش از حد و خارج از قاعده است که در در پرتو باور به قیامت و زندگی اخروی به وجود می‌آید. پس معادباوری و اعتقاد به آخرت می‌تواند در جلوگیری از آسیب‌های اخلاقی تأثیر مثبتی و راهگشایی داشته باشد و شادابی و خوش اخلاقی را به همراه می‌آورد و انسان‌ها را در خانواده دارای خلق نیکو و باعاطفه می‌گرداند و بر استحکام نظام خانواده نیز می‌افزاید. در ادامه به نقش معادباوری در جلوگیری از برخی از آسیب‌های اخلاقی و عاطفی می‌پردازیم.

### ۲-۱ نقش معادباوری در جلوگیری از فخر فروشی، تفاخر و تکاثر در خانواده

تفاخر به معنای فخر فروختن، خود بزرگ‌بینی، به خویش بالیدن، خود ستایی کردن به صفات (خصال) (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج

۵: ۴۸) و مباحث کردن به مکارم و مناقبی چون اصل و نسب و غیرآن، (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۴۶۴) ادعای عظمت و بزرگی و شرافت در امور ذاتی یا خارج از ذات است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۳۸). و تکاثر به معنای هم‌آوردی و تفاخر در بسیاری مال و قوم (طریحی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۷۰)، مناقب خود را بر شمردن (قرشی بنان، ۱۳۷۱، ج ۶: ۹۲)، و زیاده‌طلبی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۲۸) و اینکه افزون‌تر بودن را ابزار غلبه بر دیگران قرار دادن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۴۳۶).

امروزه تفاخر و تکاثر در قالب‌های متنوعی در خانواده‌ها و بین زوجین بعضاً دیده می‌شود و فرد به وسیله مال و اولاد و مقام خود به همسر خویش فخر می‌فروشد و به خود می‌نازد و می‌گوید من فلانی هستم چنین مال و ثروتی دارم چند برادر قوی و شجاع دارم و اصل و نسبم چنان و چنین است؛ بدین وسیله بر همسرش فخر می‌ورزد و آن را مورد تحقیر قرار می‌دهد و آن را با گفتن، تو اصل و نسب قوی‌ای و ثروت هنگفتی نداری، من دارم؛ بدین صورت زیاد داشتن خود را به رخ همسرش می‌کشانند. اگر زوجین چنین آگاهی داشته باشد که دنیا زودگذر و همه اعتبارات آن فناپذیر است دیگر هدف خود را از کارهایی که در زندگی انجام می‌دهند، دنیا قرار نداده و نمی‌دهند و تفاخری بین آنها صورت نمی‌پذیرد و به مال و نسب و یا موقعیت اجتماعی خود مباحثات و تبختر نمی‌ورزد. توجه به امور اعتقادی و معنوی از جمله اعتقاد به مرگ و روز حساب یکی از راه‌هایی است که خداوند برای جلوگیری از تفاخر و تکاثر بیان نموده است. قرآن کریم در باره نقش معادباوری در جلوگیری از صفت رذیله تفاخر و تکاثر می‌فرماید: " اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهَيِّجُ فَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ " بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود بگونه‌ای که آن را زرد رنگ می‌بینی؛ سپس تبدیل به گاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست (حدید ۲۰).

این آیه اشاره دارد که اگر انسان با ایمان چنین آگاهی داشته باشد که دنیا زودگذر و متاع غرور و دام فریب است دیگر هدف خود را از کارهایی که در زندگی انجام می‌دهد دنیا قرار نداده و نمی‌دهد، می‌داند که در ورای این دنیا جهان دیگری است که در آنجا به نتیجه اعمال خود می‌رسد، حال یا آن نتیجه، عذابی است شدید در ازای کارهای زشت، و یا مغفرتی است از خدا در قبال کارهای نیک. پس بر انسان لازم است که از آن عذاب بهراسد، و به آن مغفرت امیدوار باشد. ولی اگر عالی‌تر از این فکر کند هدف خود را خشنودی خود قرار نمی‌دهد و به خاطر نجات از عذاب و رسیدن به ثواب عمل نمی‌کند بلکه هر چه می‌کند به خاطر خدا و رضای او است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۱۵۸).

البته باید توجه داشت اگر مواهب این جهان مادی مذکور وسیله‌ای برای وصول به ارزش‌های والای انسانی و سعادت جاودان باشد هرگز دنیا نیست، بلکه مزرعه آخرت، و هرکاری نیکی که انجام می‌دهد در دنیا برای آخرت انجام بدهد و قنطره و پلی برای رسیدن به آن هدف‌های بزرگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳: ۳۵۳) و می‌تواند سرمایه‌ای برای آموزش و خشنودی خداوند متعال باشد. بنابراین انسان عاقل و معتقد به قیامت از مواهب این دنیا استفاده می‌کند و این دنیا را وسیله‌ای و مزرعه‌ای برای آخرت خویش می‌داند و دنیا را نردبانی برای رسیدن به اهداف الهی در نظر می‌گیرد، از کارهای نیک دریغ نمی‌ورزد و از علاقه و محبت زیاد به دنیای مستقل و مافیها دست بر می‌دارد چون یاد دنیا و غرق شدن در دنیا و هدف‌نهایی را همین دنیا قرار دادن، انسان را به سوی عذاب خداوند می‌کشانند. پس معتقد به معاد و خانواده معتقد به آخرت، اگر چنین آگاهی داشته باشد که دنیا زودگذر است دیگر هدف خود را از کارهایی که در زندگی انجام می‌دهد دنیا قرار نداده و نمی‌دهد، از تفاخر و تکاثر که همه فناپذیر هستند، دست برمی‌دارد.

## ۲-۲ نقش معادباوری در جلوگیری از تکبر و بزرگ‌بینی در خانواده

یکی از اقسام علو و تکبر، تکبر در برابر بندگان خداوند است به گونه‌ای که فرد خود را بزرگ و برتر از دیگران بداند و در رفتار و کردار و گفتارش دیگران را تحقیر کند و خود را از همه برتر بداند؛ چه در خانواده و چه در جامعه. این فرد دیگران برای او قابل احترام نیستند و دائماً منتظر است که دیگران برای او عظمت قائل شوند و از عظمت او سخن بگویند. ایمان به معاد، علو و

تکبر را نسبت به خانواده و جامعه در انسان می‌خشکاند و موجب می‌شود تواضع و فروتنی ملکه رفتار شود و هیچ گاه مغرور به خویش نشود و در آخرت نیز چنین شخص معتقدی در سرای بهشت جا می‌گیرد. خداوند متعال در قرآن کریم این باره می‌فرماید: "يَلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةَ نَجَعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ" (آری،) این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! (قصص ۸۳/ «عُلُوًّا» دلالت بر ارتفاع و رفعت می‌کند (بلندی و بلند مرتبگی) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۱۳) و همچنین تجبر و تکبر (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۸) چه در امور مادی و چه در امور معنوی. «أَلْعَلَى» نیز صفت مشبیه از این ریشه است به معنای کسی که برخوردار از ویژگی‌های برتری و عُلُو باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۳). و استعلاء به معنای دنبال برتری جویی معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۳).

مفسرین، دار آخرت را در آیه مورد بحث، به بهشت تفسیر کرده‌اند. در این آیه می‌فرماید: این بهشت را قرار می‌دهیم برای کسانی که نمی‌خواهند در زمین گردن فرازی کنند و فساد انگیز باشند یعنی کسانی که بر بندگان خدا استعلا و استکبار نورزند، و نمی‌خواهند با هر معصیتی دیگر در زمین فساد راه بیندازند. خواستار گناهان و نافرمانی خدا باشند، چون خدای تعالی شرایعش را بر اساس آنچه که فطرت و خلقت آنان اقتضاء دارد بنا نهاده، و فطرت انسان تقاضا ندارد مگر آن کار و آن روشی را که موافق با نظام اتم و احسن در حیات زمینی انسان‌هاست، پس هر معصیتی، بی واسطه و یا با واسطه در فساد این زندگی اثر دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۸۱). بنابراین آیه شریفه دستور مهمی است برای طالبان سعادت ابدی اخروی که بسیار دقیق باشند در حال خود که به کمترین، عُلُو شأنی در دنیا برای خود قائل نشوند و همیشه عجز و انکسار و بندگی خود را بدرگاه الهی منظور دارند تا در آخرت عُلُو رتبه یابند. وسعادت اخروی و فرجام نیکی برای آن‌ها رقم بخورد و در مقابل خانواده خود و جامعه تکبر نورزند تا از بهشت متعالی بهره و نصیب آن‌ها شود.

### ۳-۲ نقش معادباوری در جلوگیری از افراط و تفریط در عاطفه و محبت در خانواده

انسان معتقد به معاد به آن دید واقع‌بینانه و طرز تفکری که نسبت به خود و جهان دارد چون هدف نهایی زندگی را همین زندگی چند روزه دنیا نمی‌بیند و محدود نمی‌کند و مرگ را بمنزله گذر به جهان بزرگ‌تر می‌داند از این رو، احساسات درونی خود را تعدیل نموده و از افراط و تفریط پرهیز می‌کند و با خط و مشی معقولی که باهدف نهایی سازگار باشد، زندگی می‌کند. از این رو خداوند متعال محبت بیش از حد که موجب منع از انجام تکلیف دینی باشد ممنوع کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ" «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند (توبه ۲۴).

این آیه ناظر به گروهی از مسلمانان ساکن مکه نازل شده که به سبب علاقه به اموال و تجارت‌های خود از هجرت به مدینه امتناع (قرطبی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۹۴) و تخلف از هجرت کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۹۶). این آیه هر چند در مورد گروه مذکور بوده است ولی حکمی عام را دربردارد و تمام کسانی را شامل می‌شود که محبت، کسب و تجارت خود را بر رضایت خدا و وظایف دینی ترجیح دهند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۲۷). مؤمن واقعی در آیه کسی است که بر سر دو راهی حق و باطل، عشق به امور اقتصادی و زن و فرزند و خویشان، او را از خدا، پیامبر و جهاد باز ندارد و امور اقتصادی در نظرش از دین او مهم‌تر نباشد و گر نه آن مؤمن فاسق است و باید منتظر باشند که شکست و خذلان و بدبختی از جانب خدا نصیبشان شود. اگر مردم دشمنان دین را دوست داشته و محبت به این امور مذکور در آیه را بر محبت به خدا و رسول او و جهاد در راه او مقدم بدانند، باید منتظر تهدیدی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۶) و عذابی از ناحیه خداوند به کسانی که منافع مادی خویش را بر رضای خدا مقدم می‌شمرند، باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۳۳۴).

تفریط در عواطف خانوادگی، بی‌توجهی، عدم احساس مسئولیت و کمبود محبت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است و افراط در آن به این معناست که روابط خانوادگی، چنان اصالت پیدا کند که به وظایف خانواده هم سرایت کند؛ مانند دلبستگی دو همسر به یکدیگر در حدی که مرد را از رفتن به جهاد یا مسافرت ضروری باز دارد. بنابراین رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در عواطف خانوادگی ضرورت دارد. رعایت حد اعتدال باید به گونه‌ای باشد که در ضمن تقویت و تحکیم بنیان خانواده، منجر به سهل‌انگاری اعضای خانواده در انجام وظایف دینی و اجتماعی‌شان نگردد و این اعتدال ارمغان باورمندی به معاد است.

### ۳. نقش معادباوری در جلوگیری از آسیب‌های حقوقی خانواده

در اسلام زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده مورد احترام هستند و حقوق شرعی، قانونی و اخلاقی برای هر کدام از آن‌ها متقابلاً وضع شده است که در صورت آسیب به آن حقوق، ادامه حیات خانواده به خطر افتاده و بنیان آن متزلزل می‌شود. از جمله آثار اعتقاد به معاد، قانون‌مندی و احترام به حقوق دیگران است. باور به معاد باعث می‌شود حقوق اعضای خانواده به‌تمامه و کماله اجرا و رعایت شود. ما در ادامه به برخی از نقش معادباوری و اعتقاد به روز حساب در جلوگیری از آسیب‌های حقوقی در خانواده می‌پردازیم.

#### ۱-۳ نقش معادباوری در جلوگیری از آسیب دیدن حق حیات اعضای خانواده

انسان معتقد به معاد می‌داند که حسابرسی از ویژگی‌های روز قیامت است و هر انسانی دارای حیات است و طبق آموزه‌های دینی به کسی اجازه داده نمی‌شود حق حیات را از دیگران سلب کند (مانده ۴۲/۱) و سلب کننده حیات انسانی در روز قیامت باید مواخذه گردد و پاسخگو باشد. از این رو، انسان معتقد، حق حیات را برای همه انسان‌ها محترم می‌شمارد و آن را سلب نمی‌کند تا موجب توبیخ و عذاب اخروی نگردد. در قرآن کریم در توبیخ و سرزنش سلب کنندگان حق حیات آمده است: "وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ" و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند؟ (تکویر/۷-۸). «المؤودة» از ریشه «وآد» به معنای زنده بگور کردن است. «وآد بنته» یعنی دخترش را زنده بگور کرد. مؤودة و وئیده دختر زنده زیر خاک دفن شده (قرشی بنان، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۷۵) و به گور شده است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۳: ۷۵).

در این آیه از دختر زنده در گور شده سؤال کرده می‌شود به کدام گناه کشته شده است؟ و در حقیقت مسئول قتل این دختر پدر او است تا انتقام وی را از او بگیرند، لیکن در آیه، سؤال شونده را خود آن دختر دانسته و می‌فرماید در قیامت از خود او می‌پرسند به چه جرمی کشته شد؟ که این هم نوعی تعریض و توبیخ قاتل آن دختر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۱۲۹) و هم زمینه چینی است برای اینکه آن دختر جرأت کند و از خدای تعالی بخواهد که انتقام خون او را بگیرد، و آن گاه خدای تعالی از قاتل او سبب قتل او را بپرسد، و سپس انتقامش را بگیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۱۴) پس انسان‌ها حق سلب حیات را از کسی ندارند و عواقب این کار را در آخرت می‌بینند. بنابراین انسان معادباور باید بداند که در روز قیامت، سالب حق حیات مورد سوال و مواخذه قرار می‌گیرد و عقوبت سختی در انتظار اوست این عقیده مانعی قوی از گرفتن حق حیات دیگران است، تا از عذاب سخت و عقوبت و مواخذه الهی در قیامت در امان باشد. البته لازم بذکر است بگوئیم این عادت جاهلی، در عصر ما نیز به صورت دیگری رخ نموده است و در برخی کشورها به زنان اجازه داده می‌شود که سقط جنین کنند و کودک خویش را بی‌رحمانه، قبل از تولد بکشند. اعتقاد به معاد نیز می‌تواند در جلوگیری از سلب حق حیات نسل خویش مؤثر واقع شود و انسان را از این عمل قبیح و گناه کبیره باز دارد.

#### ۲-۳ نقش معادباوری در جلوگیری از آسیب دیدن حق حضانت

طبق سنت جاهلی، بیوه طلاق داده شده ملزم به داشتن عده نبوده است از این رو گاه بلافاصله پس از طلاق با مردی دیگر ازدواج می‌کردند و در صورت باردار بودن، فرزند او به شوهر جدید تعلق می‌گرفت (علی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۲۸) و حق رجوع مرد در طلاق رجعی و نیز حق حضانت را به طوری با کتمان عادات ماهانه و بارداری از مرد که با او طلاق می‌گرفتند و فرزند را به شوهر جدید انتساب کردن؛ این حقوق را با کتمان از آن‌ها می‌گرفتند و ضایع می‌کردند؛ ولی اسلام برخلاف عصر جاهلی، برای این زنان

به مدت سه پاکی عده مقرر کرد و زنان مزبور را از کتمان آن چه خداوند در رحم‌هایشان قرار داده منع کرده و ایمان به خدا و قیامت را به این زنان گوشزد می‌نماید قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آن‌ها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آن‌ها در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آن‌هاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است (بقره ۲۲۸). «قروء» اصل قرء به معنی وقت معلوم است از این رو، به طهر و حیض اطلاق شده زیرا هر یکی را وقتی هست (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۳۰) پس اسمی جامع برای هر دو زمان است (زمان طهر و زمان قرء) از این رو، به هر دو حالت اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۸).

در تبیین آیه آمده است بر زنانی که طلاق داده شده و باید عده نگاه دارند حلال نیست که مخفی کنند آنچه را که خدا در رحم‌هایشان آفریده است. در اینکه مقصود از آنچه در رحم‌هایشان خدا آفریده و باید کتمان نکنند مراد از پنهان کردن و کتمان، اعم از کتمان حیض و پاکی و بارداری است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲) و این قول، قول اقوی است (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۰) و در علت این تحریم آمده است: به نظر برخی جلوگیری از تباه شدن حق رجوع زوج (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۶۹) به هنگام طلاق رجعی است؛ زیرا به طور معمول دوران عده طلاق در زنان غیر باردار زودتر از زنان باردار به پایان می‌رسد و زوجه جدا شود و با کسی دیگر ازدواج کند. (قطب راوندی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۸۶-۱۸۷) برخی دلیل این حکم را جلوگیری از انتساب حمل از سوی زن باردار به شخصی جز پدر واقعی او دانسته‌اند، چنان‌که این رویه در عصر جاهلی وجود داشت (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۷۲) پس آیه شریفه می‌خواهد زنان مطلقه را از این عمل نهی کند که به خاطر زودتر از عده در آمدن، حیض یا آبستن بودن خود را کتمان کنند، و یا بخواهند با کتمان خود، در کار رجوع شوهران خللی وارد آورند، و یا غرض دیگری داشته باشند. بنابراین ایمان به معاد و معادباوری مانع می‌شود که از حق رجوع در زمان عده که مربوط به مردان است با پنهان کاری حال خود را مخفی نگه دارند و نیز معتقد به معاد نیز باید بدانند که حق حضانت در قانون و شرع مربوط و متعلق است به مردان و نباید این حق را از آنان گرفت و آن را کتمان کرد و الا اگر با پنهان کاری حق حضانت را از مردان بگیرند باید در روز قیامت منتظر کیفر اعمال خود باشند و نیز باید جوابگوی اعمالش در جلوگیری از حق مردان، در روز قیامت باشد.

### ۳-۳. نقش معادباوری در جلوگیری از آسیب دیدن نفقه اعضای خانواده

در ازدواج دائم، در نگاه اسلام پرداخت نفقه زن بر عهده شوهر است و نفقه حق و امتیازی است که اسلام برای زن قرار دارد و مرد معتقد به معاد و قیامت باید بداند که حقی از جانب زن بر گردن اوست و نیز بداند نفقه نیز اثر تکلیفی دارد و اگر مرد بخواهد در انجام این وظیفه کوتاهی کند یا آن را انجام ندهد، گناه کرده است و مورد عقاب قرار می‌گیرد. پس در انجام وظیفه و دادن نفقه کوتاهی نمی‌کند تا در قیامت موجب عقاب قرار نگیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد (طلاق ۷). «نفق» در لغت به معنی گذشتن هر چیزی و از بین رفتن آن یا تمام شدن آن چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹) و آنچه برای خود و خانواده هزینه می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۷۷).

خداوند متعال در این آیه دستور می‌دهد، باید صاحب سعه از سعه خود انفاق کند. و انفاق از سعه به معنای توسعه دادن در انفاق است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۳۱۷)، و امر در این جمله متوجه توانگران است، لام لینفق دلالت بر وجوب و لزوم دارد بمعنی باید است که باید انفاق کند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۳: ۵۹)، و قوله: «فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ»، به معنای آن است که بنا بر حسب امکان و طاقتش، باید انفاق نماید به قدر آنچه به او طاقت و امکان اعطا شده، تکلیف دارد؛ (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۷) و در ادامه

می‌فرماید خداوند به زودی بعد از سختی‌ها، آسانی و راحتی قرار می‌دهد؛ اشاره به اینکه کسی که مراعات حقوق نماید خداوند بعد از سختی آسانی برای او فراهم مینماید. و این آیات مشعر بر این است که حقوق زناشویی در نظر شارع بسیار مهم است (امین، بی‌تا، ج ۱۳: ۳۷۰). بنابراین همسران معتقد به قیامت و سرای آخرت در حد توان از نفقه دادن و دادن لباس و غذا و... پرهیز نمی‌کنند و بر همسر خویش توسعه می‌دهند؛ زیرا می‌دانند که این یک از حقوق الهی است که بر عهده بر مرد گذارده شده است و باید به آن تکلیف، جامه عمل پوشید و مرد معتقد به معاد بداند که حقی از جانب زن بر گردن اوست و در صورت سستی در وظیفه یا عدم انجام وظیفه، گناه کرده است و مورد عقاب قرار می‌گیرد.

#### ۴. نقش معادباوری در جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی خانواده

فرد مسلمان در پرتو آموزه‌های دین اسلام، به طور منطقی از سود کم خود در این جهان، برای دستیابی به سودی بیشتر و پایدارتر در عالم و جهان دیگر و برای رسیدن به لذت معنوی، چشم می‌پوشد و از فساد، اختلاس و خیانت و یا کم‌کاری در زندگی فردی و اجتماعی دست بر می‌دارد و این جز در سایه باورمندی به معاد، شدنی نیست پس فرد و جامعه‌ای که معتقد به روز جزا و حساب باشد روابط اقتصادی سالمی خواهد داشت و به ارحام و مستضعفین کمک می‌کند. ما در این‌بخش به بعضی از آثار معادباوری در جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی می‌پردازیم.

#### ۱-۴ نقش معادباوری از جلوگیری از آسیب تبلی و کم‌کاری اعضای خانواده

از جمله آثار اعتقاد به حیات پس از مرگ، سلامت و امنیت در عرصه‌های اقتصادی است. کسی که اعتقاد به معاد و آخرت داشته باشد در معامله و خرید و فروش عدالت را رعایت کرده، خیانت و کم‌فروشی نمی‌کند؛ زیرا یقین دارد که پس از مرگ حساب و کتابی در کار است و انسان در برابر اعمالی که انجام داده مورد بازجویی و مواخذه قرار می‌گیرد. پس انسان معتقد، در امور اقتصادی از دزدی و اختلاس و خیانت در معامله فاصله می‌گیرد و نیز از تبلی و کم‌کاری و هرنوع کم‌گذاشتن در زندگی خانوادگی، پرهیز می‌کند؛ چون می‌داند کم‌فروشی و کم‌گذاشتن و خیانت در معامله، سرانجام اخروی خوشی ندارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ - الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ - وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِّنُوهُمْ يُخْسِرُونَ - أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ - لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ" وای بر کم‌فروشان! - آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را بطور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند! آیا آن‌ها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند، - روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند (مطففین ۷-۱) «ویل» در لغت، به معنای قبح است و گاهی در تحسر و تأسف به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۸) و در مواردی نیز که فرد یا افرادی به هلاکت یا عذاب بیفتند، به کار می‌رود (طریحی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۹۶).

در تبیین این آیه آمده است: وای و عذاب (کاشانی، ۵۱۳، ج ۱۰: ۱۷۵) و هلاکت (قطب، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۸۵۴) و عذاب علیم (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۲۷۴) بر کم‌فروشان و آن‌ها مردمی بودند که در پیمانه کردن و کشیدن کم میکردند و حقوق مردم را در پیمانه کردن و وزن نمودن ضایع میکردند. مضمون مجموع این دو آیه مذکور یک مذمت است، و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می‌کنند، ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند. به عبارتی دیگر حق را برای دیگران آن طور که برای خود رعایت می‌کنند رعایت نمی‌نمایند، و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است، و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود همه چیز فاسد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۳۰). (لازم به ذکر است مفهوم آیه وسیع است و هر گونه کم‌فروشی را هر چند در معدودات (چیزهایی را که با عدد می‌فروشند) نیز شامل می‌شود. بلکه بعید نیست با استفاده از الغای خصوصیت، کم‌گذاشتن در خدمات را نیز فرا گیرد) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶: ۲۴۴).

علت این رفتار نابهنجار آن است که مطففین آن گونه که باید و شاید به روز رستاخیز و پاسخگویی انسان در برابر همه اعمالش در آن روز اعتقاد ندارد از این رو در آیاتی از این سوره به نکوهش آنان پرداخته و با این جمله استفهام توییحی مورد تهدید قرار می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶: ۲۴۴). اشاره به کلمه (اولئک) برای این است که بفهماند کم‌فروشان از رحمت خدا دورند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۳۰) و منظور از "یوم عظیم"، روز قیامت است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۸۳) که در آن به



عملشان کیفر داده می‌شوند. بنابراین در این آیات به رابطه معادباوری با ترک گناهان اشاره شده و به کم‌فروشان یادآوری شده که اگر یقین به رستاخیز داشتند، کم‌فروشی نمی‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶: ۲۴۹) عقیده به معاد در ترک گناهان بزرگ تأثیر مستقیم دارد. اگر به رستاخیز ایمان دارید، از کار و مال مردم کم نگذارید و وظیفه خود را انجام دهید و بدین صورت به کم‌فروشان و کم‌گذاران در مورد وقوع قیامت و لزوم پاسخگویی در برابر خداوند متعال، هشدار می‌دهد و حساب و کتاب و کیفر را برای آنان یادآوری می‌کند. از این رو، انسان معتقد و عاقل این مواخذه را جدی می‌گیرد و از این گناه کم‌کاری به‌ویژه در امور خانواده فاصله می‌گیرد تا مورد بازخواست و مواخذه خداوند متعال در قیامت نشود.

## ۲-۴ نقش معادباوری در جلوگیری از ورود مال حرام به خانواده

از آثار اعتقاد به معاد و روز حساب در زندگی، شکل گرفتن فعالیت‌های اقتصادی اعضای خانواده در چارچوب احکام اسلام و شریعت است. مؤمن به معاد و انسان خدا ترس می‌داند از هر در آمدی از او پرسیده می‌شود که از چه راهی به دست آورده و در چه راهی مصرف نموده است همانگونه که در روایت پیامبر مکرم اسلام نیز آمده است: «لایزول قدم عبد یوم القیامه حتی یسال عن اربع... و عن ماله مما اکتسبه و فیما انفق» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۵۳) پس معتقد به معاد به تجاوز و تصرف در مال دیگران و مصرف آن در زندگی انسان، پایان می‌دهد و همچنین از افتادن در دام کسب حرام دوری می‌کند؛ زیرا این کار او کیفر الهی و عذاب اخروی را به دنبال دارد. قرآن کریم در این باره و تهدید کاسب حرام (ربا خواری) و یکی از مصادیق مال حرام می‌فرماید: "یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِیْ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِینَ اِیَّ کَسَانِیْ کَهِیْمَانَ اُورِدَہَا اِیْدًا رِبَا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید! - و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است! (آل عمران، ۱۳۰-۱۳۱) «ربا» در لغت به معنای افزونی و نمو و رشد (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۵، ۱۲۶) و علو زیاده بر سرمایه است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۸۳) ولی واژه ربا در شرع مخصوص به افزون شدن سرمایه غیر از سود شرعی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰).

از دیدگاه اسلام اجتناب نکردن از مال حرام مورد نکوهش قرار گرفته است و اثرات سوئی بر جان و دل آدمی و خانواده گذاشته و ریشه خیلی از آلودگی‌های روح آدمی است. روایات به طور کلی از کسب مال حرام نهی کرده‌اند از جمله: پیامبر مکرم اسلام در این باره آمده است که فرموده است: "کسی که از غیر حلال، کسب مال کند، آن مال توشه او به سوی جهنم است" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۱۰) و نیز از ربا یکی از مصادیق کسب مال حرام هم نکوهش شده است؛ از آن حضرت نقل شده که فرمود: شبی که مرا به معراج می‌بردند جمعی از مردها را دیدم که شکم‌هایشان مانند خانه‌هایی بود که در آن‌ها مارهایی بودند که از بیرون پیدا بود به جبرئیل گفتم این‌ها چه افرادی هستند گفت: اینان رباخواران‌اند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۴).

یکی از علامات فلاح و رستگاری در قیامت، در این آیه، دوری و ترک ریاست؛ که در آیه می‌فرماید: بترسید و بیندیشید عذاب الهی را در ارتکاب محرمات و منہیات، لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ برای آنکه شما رستگار شوید، یعنی در ترک ربا از خدا بترسید در حالی که امیدوار باشید به رستگاری. یا ترک ربا نمایند تا برسید به آمال و آرزوهای خود و فایز شوید به نعم ابدیه و ثواب باقیه (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۳۹) از فلاح و رستگاری سه نکته استفاده می‌شود: اولاً اینکه مرتکب ربا رستگاری ندارد ثانیاً به مجرد ترک ربا رستگاری حاصل نمی‌شود بلکه باید از سایر محرمات هم پرهیز کرد بقرینه کلمه لعلّ ثالثاً: رستگاری در ترک معاصی خاص مؤمن است غیر مؤمن هر چه متقی باشد رستگاری ندارد. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۵۰).

پس رباخواری، از موجبات گرفتار شدن به آتش دوزخ و آتش، در انتظار کافران و رباخواران، و آماده برای آنان رباخواران، هر چند مدعی ایمان باشند، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند. بنابراین معتقد به معاد بر این باور است کسی که از غیر حلال، مطلقاً، کسب مال کند، آن مال توشه او به سوی جهنم است و کسب مال حرام، آتش جهنم را در پی دارد؛ از این رو از آسیب زدن به خانواده با کسب حرام فاصله می‌گیرد.

## ۳-۴ نقش معادباوری در جلوگیری از آسیب دنیازدگی در خانواده

رزق و برق دنیا و دلبستگی به آن و به خصوص مشغول شدن به متعلقات دنیا، انسان را به سقوط عجیبی می‌کشاند و اگر

آدمیان مواظبت لازم را ننمایند و در امتحان‌های الهی مردود گردند، دنیا، مانع پیشرفت معنوی آنان شده و آنان را جهنمی می‌کند. برخی افراد از شمارش اموال خود، به رخ کشیدن آن و سرگرم شدن به آن لذت می‌بردند و گمان می‌کنند این ثروت همیشگی است و آن‌ها را برای همیشه در دنیا نگه می‌دارد و دیگر بیماری و مرگ به سراغ آن‌ها نمی‌آید. قرآن این دیدگاه را مذمت کرده و می‌فرماید: این نگاه به دنیا، انسان را دوزخی می‌کند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۵۹۰). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ - الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ - يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ - كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ - نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ - الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْفُؤَادِ» وای بر هر عیبجوی مسخره‌کننده‌ای! همان کس که مال فراوانی جمع‌آوری و شماره کرده (بی‌آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند)! او گمان می‌کند که اموالش او را جاودانه می‌سازد! چنین نیست که می‌پندارد؛ بزودی در «حُطَمَةُ» [آتشی خردکننده] پرتاب می‌شود! و تو چه می‌دانی «حُطَمَةُ» چیست؟! آتش برافروخته الهی است، آتشی که از دل‌ها سر می‌زند! (همزه / ۷-۱)

آیه شریفه اشاره دارد که سعی به اعمال صالح است که موجب خلود صاحبش در بهشت می‌شود؛ اما مال برای هیچ کس موجب خلود در دنیا نشود. مروی است اخنس را ده هزار دینار سرخ بود با وجود بر این یک ساعت از جمع آن غافل نمی‌شد و به شامت آن عناد و انکارش نسبت به حضرت زیاده شد، عاقبت به جهنم واصل و به عذاب ابدی گرفتار شد (کاشانی، ۱۳، ج ۱۰: ۳۴۲)؛ البته ثروت در حد معقول و از طریق مشروع نه تنها مذموم نیست بلکه از آن در قرآن کریم به فضل الهی تعبیر شده است (جمعه / ۱۰) لکن ثروتی که هدف نهایی انسان باشد و صاحبان آن همچون قارون دعوت به طغیان کند و تکبر بورزد مذموم است. بنابراین آتش و عذاب شدید قیامت در انتظار عیب‌جویان و طعنه‌زنان و زراندوزان است؛ آتشی از بس بزرگ و سنگین است حتی برای پیامبر مکرم اسلام قابل درک نیست و چهار وصف برای آن بیان می‌کند تا اندازه‌ای درک شود (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۴: ۲۲۶) و عذاب گناهان قلبی، مانند شرک و کفر نیز به قلب سرایت می‌کند و آتش بر قلب مسلط می‌گردد (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۹۴) و چیزی مانند قلب تالم آن از بیشتر نخواهد بود چه برسد به این که آتش الهی بر آن مسلط شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۴۶۰). پس انسان معتقد، که این دنیا را مقدمه برای جهان دیگر می‌داند باید با کار و تلاش زندگی و آبرومندی برای خود و خانواده‌اش فراهم سازد، ولی نباید گرفتار ثروت اندوزی بخیلانه و آزمندانانه شود و نیز خانواده معتقد باید بدانند ثروت‌اندوزی آنان را به آرامش ابدی نمی‌رساند، و فرجام زراندوزان زیادخواه، عذاب و آتش سخت است.

## نتیجه‌گیری

معاد، یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی و از اصول بسیار تأثیرگذار در روند زندگی انسانی است. اعتقادات و باورهای دینی و به طور خاص، باور به معاد می‌تواند راه انسان را در زندگی از کجی‌ها مصون دارد و تأثیر شگرفی در رفتار آدمی خواهد گذاشت. این باور در تمام مراحل زندگی تأثیر بسزایی داشته از جمله: تأثیر آن در آسیب‌زدایی از نظام خانواده و جلوگیری از آنچه می‌تواند نهاد خانواده را متزلزل کند. در این دنیای پیچیده که با مشکلات و آسیب‌های زیادی عجین شده است، خانواده همواره در معرض آسیب‌های مختلفی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی تقویت باورهای دینی از جمله اعتقاد به معاد است. در این پژوهش با بررسی آیات مرتبط با معادباوری این نتیجه حاصل گشت که از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از آسیب‌های نهاد خانواده در حوزه‌های اخلاقی و عاطفی، حقوقی و اقتصادی معادباوری است که در چندی از آیات قرآن کریم از قبیل: آیه ۸۳ قصص؛ آیه ۲۰ حدید؛ ۲۴ توبه؛ ۷ طلاق؛ ۱۳۰-۱۳۱ آل عمران مورد اشاره و تبیین قرار گرفت.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی (چاپ دوم)، قم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایة (سوم)، تهران: ناشر اسماعیلیان.
۳. ابن احمد الفراهیدی، خلیل (۱۴۱۴ق)، العین (چاپ اول)، تحقیق المخزومی، مهدی، قم: ناشر اسوه.
۴. ابن الحماذ الجوهری، اسماعیل (۱۳۷۶)، تاج اللغة و صحاح العربیة (چاپ اول)، قاهره: انتشارات دارالعلم للملایین.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (چاپ اول)، بیروت: دار الکتب

العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۶. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور (چاپ اول)، بیروت: ناشر مؤسسه التاریخ العربی.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة (چاپ اول)، قم: مکتبه الاعلام الاسلام.
۸. ابن کثیر القرشی دمشقی، اسماعیل (۱۴هجری)، تفسیر القرآن العظیم (چاپ دوم)، بیروت: انتشارات دار الفکر.
۹. ابن منظور، محمد (۱۴۱۶ق)، لسان العرب (چاپ سوم)، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث.
۱۰. امین، نصرت بیگم، (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التاویل تفسیر بیضاوی (چاپ اول)، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی (چاپ اول)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول) بیروت: دار الفکر.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الثواب للدیلمی (چاپ اول)، قم: ناشر الشریف الراضی.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن (چاپ اول)، بیروت: ناشر الشامیة.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن (چاپ اول)، قم: بی جا.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل (چاپ سوم)، بیروت: ناشر دار الکتب العربی.
۱۸. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق)، بیان السعاده فی مقامات العباده (چاپ سوم)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری (چاپ اول)، تهران: ناشر میقات.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم)، بیروت: ناشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۸۶)، مجمع البحرین (چاپ سوم)، بیروت: ناشر مرتضوی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، التبیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول)، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۲۳. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم)، تهران: ناشر اسلام.
۲۴. علی، جواد (بی تا)، المفصل فی تاریخ العرب قبل از اسلام (چاپ سوم)، قم: منشورات الرضی.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر مفتیح الغیب (چاپ سوم)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۶. فیومی، احمد بن علی المقرئ (بی تا)، مصباح المنیر (چاپ سوم)، بیروت: دار الکتب الاسلامیة.
۲۷. قرشی بنان، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث (چاپ دوم)، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۲۸. قرشی بنان، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن (چاپ ششم)، تهران: ناشر دار الکتب الاسلامیة.
۲۹. قرطبی، ابی عبدالله بن احمد (۱۳۸۶)، الجامع احکام القرآن (چاپ سوم)، نشر دار القلم.
۳۰. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن راوندی (چاپ دوم)، قم: ناشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۱. قطب، سید (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن (چاپ سی و پنجم)، بیروت: انتشارات دار الشرق.
۳۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳ش)، منهج الصادقین فی الزام مخالفین (چاپ اول)، تهران: کتابفروشی الاسلامیه.
۳۳. متقی نژاد، مرتضی (۱۳۸۲)، معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، (چاپ اول)، قم: عصر غیبت.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار (چاپ دوم)، بیروت: ناشر دار الاحیاء التراث العربی.
۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (چاپ اول)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه (چاپ دهم)، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. موسوی سبزواری، عبدالعلی (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن سبزواری (بی جا)، ناشر دفتر آیت الله سبزواری.
۳۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور (چاپ اول)، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی ط - الاسلامیه، (چاپ اول)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم)، تهران: انتشارات ناصرخسرو.